

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	سخن نخست
۲.....	دوره جدید روابط ایران و آمریکا
۴.....	بازگشایی روابط با ایران؟
۷.....	زمانی برای تحرک ایران و آمریکا
۹.....	تیم رده اول اوپاما برای ایران
۱۱.....	بازی مذاکرات دوره‌های
۱۳.....	ارزیابی دنیس بلر رئیس جامعه اطلاعاتی آمریکا از تهدید ایران
۲۱.....	ارزیابی آخرین گزارش آژانس درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران
۲۳.....	آمریکا، ایران را به دنبال سلاح اتمی می‌داند
۲۵.....	مذاکره هسته‌ای با ایران همین الان اما مدت‌دار
۲۷.....	دغدغه‌های امنیتی ایران افزایش یافته است
۲۹.....	ایران و کره شمالی و ضرورت احیای دفاع موشکی
۳۱.....	ماهواره ایرانی در فضا
۳۳.....	پیروزی عراق، شکست ایران
۳۵.....	گزینه عراق: مدل ایران یا کشورهای خلیج فارس
۳۷.....	اخوان المسلمین مصر و ایران
۴۰.....	اسرائیل به کدام رویکرد کمک نمود؟
۴۲.....	کابوس هسته‌ای آمریکا

ماهنامه کاوش (۲۴)



یکی از مهم‌ترین مسائل مؤثر در حوزه سیاست‌گذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این مسئله از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست آمده و نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر می‌تواند داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهم‌ترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. بر این اساس در شماره ۲۴ ماهنامه کاوش به مقالاتی در مورد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، برنامه هسته‌ای و توانایی‌های موشکی و تسلیحاتی ایران و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی آن پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادات اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.

عنوان: دوره جدید روابط ایران و آمریکا^۱

نویسنده: ویلیام بیمن

منبع: Foreign Policy in Focus^۲

پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم پهلوی نقطه عطف مهمی در روابط ایران و آمریکا محسوب می‌شود. زیرا که از آن زمان تاکنون با گذشت سی سال از انقلاب، دشمنی و خصومت آمریکا و جهان اسلام تداوم یافته است. در این شرایط و در آستانه سی‌سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، باراک اوباما، رئیس‌جمهور جدید آمریکا درصدد آغاز دوره جدیدی در تعاملات آمریکا و ایران است. بنابراین تلاش می‌شود تا اقدامات سیاست خارجی آمریکا برپایه واقعیات و فارغ از برداشتهای ایدئولوژیک در چارچوب تمایل اوباما به مذاکره با ایران صورت گیرد. در واقع باید توجه داشت که انقلاب ایران یک اقدام ضدآمریکایی نبود و انقلابی علیه استعمار و سلطه خارجی بر امور ایرانیان بود که در آن آمریکا جایگزین ظلم و ستم ۱۵۰ساله استعمار انگلیس و شوروی شد. ازسوی دیگر ایران پس از پیروزی انقلاب درصدد تقابل با آمریکا نبود بلکه انگیزه و هدف ایران حفظ برتری قدرت منطقه‌ای خود و رهبری صنعتی، اقتصادی و دیپلماتیک بود که این هدف توسط آرمان‌های انقلابی هدایت می‌شد. این آرمان‌های انقلابی در سطح منطقه و در جهان اسلام با دیده تردید نگریسته شد و این مسئله سبب شد که ایران مجبور به اعمال تغییراتی در آنان

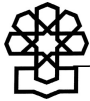
1. William Q. Beeman, "A New Era in U.S- Iranian Relations", Foreign Policy in Focus, February 12, 2009.

۲. از پایگاه‌های برجسته تحلیلی در زمینه مسائل استراتژیک و بین‌الملل است.





در شرایط کنونی شود. بنابراین امروزه در سیاست‌گذاری‌های ایران، سیاست‌های ایدئولوژیک کمتر از سیاست‌های عملگرایانه آن مشهود است به‌گونه‌ای که این کشور در صدد جلب نظر همسایگان خود برآمده است. با توجه به این شرایط به نظر می‌رسد که در صورت توجه کافی آمریکا زمینه لازم برای بازسازی روابط ایران و آمریکا، مهیا شده است. در این مورد باید توجه داشت که دو کشور زمینه‌های مشترک بسیاری برای همکاری در منطقه و در سطح نظام بین‌الملل دارند، مثلاً در زمینه مبارزه با گروه‌های افراطی مانند القاعده، ثبات و امنیت منطقه‌ای، بازگشت آرامش به افغانستان و عراق، مبارزه با قاچاق مواد مخدر، حمایت از محیط زیست، ثبات تجاری و اقتصادی منطقه و... فرصت‌های همکاری مشترک دو کشور بسیار گسترده است. این وضعیت نشان می‌دهد که پارادوکسی میان علاقه ایرانیان به فرهنگ آمریکایی و دشمنی هم‌زمان با آن وجود ندارد، زیرا که اگرچه استقلال و ناسیونالیسم دو متغیر اصلی مخالفت با غرب است اما آمریکا در صدد تسلط بر ایران نباشد و با احترام متقابل با این کشور رفتار کند، ایرانیان مشکلی با آمریکا نخواهند داشت. از سوی دیگر با گذشت سی سال از انقلاب اسلامی ایران، آمریکا باید توجه داشته باشد که با نسل جدید جوانان ایران و با گذشت زمان از حادثه اشغال سفارت آمریکا، فرصت‌های جدیدی به وجود آمده و امکان تغییر سیاست آمریکا در قبال ایران فراهم شده است.



عنوان: بازگشایی روابط با ایران؟^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: Middle East Forum^۲

یکی از وعده‌های باراک اوباما در دوران رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری، مذاکره بدون پیش‌شرط با رهبران ایران بود. بر این اساس اوباما پس از به قدرت رسیدن به دنبال راه‌های مختلفی برای ایجاد ارتباط با ایران برآمده و در مصاحبه با العربیه نیز تأکید کرده است که اگر ایران مشت گره کرده خود را باز کند، با آغوش باز از سوی آمریکا مواجه خواهد شد. از سوی دیگر در این راستا اوباما به دنبال تهیه پیش‌نویسی در پاسخ به نامه رئیس‌جمهور ایران برآمده و زمینه مذاکره با مقامات ارشد ایرانی را نیز فراهم کرده است. این اقدامات اوباما اگرچه ممکن است مورد تحسین برخی از تحلیلگران و روزنامه‌نگاران قرار گیرد، اما با نگاهی به تعاملات ایران و آمریکا آشکار می‌شود که از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، مذاکرات متعددی میان ایران و آمریکا صورت گرفته و ابتکارات جسورانه اوباما تنها تکرار برخی از فعالیت‌های گذشته‌ای است که در مواردی پیامدهای خطرناکی نیز به دنبال داشته است. چنانچه تلاش برای برقراری این نوع ارتباطات و مذاکره با ایرانی‌ها از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی پیگیری شده و به نتیجه نرسیده است. در این خصوص در زمان پیروزی انقلاب اسلامی برخی در آمریکا از ظهور نظام جدید استقبال کرده و خواهان تداوم روابط با ایران بودند. لذا دیپلمات‌های آمریکایی در تهران در صدد

1. Michael Rubin, "An Opening to Iran? They've Sold us This Rug Before", Middle East Forum, February 16, 2009.

۲. از مراکز مهم پژوهشی در حوزه خاورمیانه است.



ارزیابی ماهیت نظام جدید برآمده و حتی در این زمینه مذاکراتی میان برژینسکی و کارتر و مقامات ارشد ایرانی در الجزایر صورت گرفت با این حال هم‌زمان با این مذاکرات، سفارت آمریکا در تهران مورد حمله و اشغال قرار گرفت. این واقعه نیز به پایان مذاکرات ایران و آمریکا منجر نشد و کارتر به مدت پنج ماه پس از گروگانگیری، به امید مذاکره با ایران بود، بنابراین کارتر با ارسال نامه‌ای توسط دو مقام ارشد سیاسی آمریکا برای رهبری ایران درصدد کاهش تنش‌ها و حل بحران گروگانگیری برآمد که البته این اقدام نیز با شکست مواجه شد و به آنان اجازه حضور در ایران و مذاکره داده نشد. بنابراین، طرح مذاکره با ایران در آن مقطع، فرصت‌های موجود را از بین برد. با توجه به این پیشینه تاریخی به نظر می‌رسد که بی‌توجهی اوپاما به زمان و هدف مذاکره، تکرار اشتباه کارتر است. ازسوی دیگر این اقدام اوپاما نقش مهمی در انتخابات آینده ایران و تقویت دولت کنونی می‌تواند داشته باشد که این مسئله نیز به‌نوعی تکرار تجربه کارتر در تقویت انقلابی‌گری در ایران خواهد بود. همچنین سیاست دوجهی اعمال فشار و تحریم نیز در دوران کارتر از طریق پیگیری مذاکرات با ایران و اعمال فشار بر ایران تداوم یافته بود و بر این اساس این سیاست اوپاما نیز تجربه‌ای مکرر است. ازسوی دیگر باید توجه داشت که پس از کارتر نیز مذاکره آمریکا با ایران ادامه داشت به‌گونه‌ای که در ماجرای ایران - کنترا در دوره ریگان تلاش جدیدی برای تعامل با ایران صورت گرفت. هر چند که در این مورد نیز علی‌رغم سفر مک فارلین، مشاور امنیت ملی آمریکا به ایران، هیچ‌گونه تحول جدیدی رخ نداد. ازسوی دیگر در دوران جرج بوش پدر و با آغاز دوره عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران، بوش - مانند اوپاما - از آغاز دوره جدیدی از امید سخن گفت اما در دوره او و



سپس در دوران کلینتون نیز مانند گذشته هیچ‌گونه تغییری در روابط ایران و آمریکا به وقوع نپیوست. در دوره کلینتون تحریم‌ها تشدید شد و ایران به‌دنبال توسعه فعالیت‌های هسته‌ای خود برآمد. پس از آن در دوران بوش پسر، مسئله ایران به یکی از موضوعات محوری سیاست خارجی آمریکا تبدیل شد و حتی بیش از دوره کارتر، شیوه تعامل با ایران مورد توجه قرار گرفت به‌گونه‌ای که چندین دوره مذاکره میان دو طرف برگزار شد. با توجه به این شرایط، هم‌اکنون ایران پس از ۳۰ سال از انقلاب اسلامی همچنان به‌عنوان یک مشکل در سیاست خارجی آمریکا باقی مانده است و در این زمینه - اگرچه اوپاما به‌دنبال رویکرد جدیدی در تعامل با ایران است - تا زمانی که رئیس‌جمهور جدید نیز تداوم مشکلات موجود را به سبب ضعف عملکرد رؤسای جمهور گذشته آمریکا بداند، این مشکل کماکان باقی خواهد ماند.



عنوان: زمانی برای تحرک ایران و آمریکا^۱

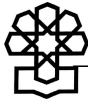
نویسنده: ریچارد مورفی

منبع: Middle East Institute^۲

با آغاز به‌کار رسمی فعالیت دولت باراک اوباما یکی از مسائلی که در حوزه سیاست خارجی مورد توجه است، چگونگی تعامل جدید آمریکا و ایران در گسترش منافع آمریکا در عراق، افغانستان و حتی در فرایند سازش در خاورمیانه است. این مسئله مسلماً به آسانی محقق نخواهد شد زیرا که این دو کشور به مدت سی سال هیچ‌گونه روابط دیپلماتیکی نداشته‌اند و سوءظن دوجانبه‌ای نیز میان آنان وجود دارد. در واقع ایران، حمایت‌های آمریکا از صدام یا تلاش آن برای براندازی نظام ایران و مداخله در امور داخلی ایرانیان را فراموش نکرده و آمریکا نیز هنوز ماجرای اشغال سفارت این کشور در ایران و گروگانگیری پرسنل آن، نقش ایران در گروگان گرفته شدن آمریکاییان در لبنان (در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) و آموزش یا ارسال تجهیزات به گروه‌های لبنانی را به خاطر دارد با وجود این، آمریکاییان کمی هستند که همکاری ایران را در ایجاد ثبات و امنیت افغانستان و حمایت آن از دولت آن پس از حمله آمریکا به این کشور را به یاد داشته باشند. بنابراین برای تعامل جدید دو کشور با یکدیگر باید نگرش ایران و آمریکا در قبال یکدیگر تغییر کند. در واقع آمریکا باید رویکرد منفعت‌محور خود در خاورمیانه را با لحاظ منافع سایر کشورها و از جمله ایران مورد ارزیابی مجدد قرار دهد، زیرا که این رویکرد آمریکا بود که سبب شد ایران

1. Richard Murphy, "Iran and the U.S: Time to Move on", Middle East Institute, January 12, 2009.

۲. از مراکز مهم پژوهشی در حوزه خاورمیانه که مقالات پژوهشی بسیاری در حوزه مسائل ایران منتشر می‌کند.



به سمت گروه‌های خاص در عراق هدایت شده و برای عقب‌نشینی آمریکا از این کشور تلاش کند. همچنین همکاری‌های ایران و سوریه یا حمایت‌های آن از گروه‌های اسلامی فلسطینی و لبنانی نیز در این راستا صورت گرفته است. ازسوی دیگر سیاست‌های گذشته آمریکا سبب شده که ایران برای از دست ندادن منافع ملی خود به دنبال مقابله با راه‌حل‌های سازش در منطقه و گسترش توان فعالیت‌های هسته‌ای خود باشد. در این میان، دولت بوش تلاش کرد تا با افزایش تحریم ایران و ایجاد ائتلافی با اروپا به مقابله با ایران بپردازد اما سیاست‌های اعمالی بوش و مجموعه چماق و هویج آمریکا نتوانست مانع از تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران شود. ازسوی دیگر به‌کارگیری اهرم فشار بیشتر علیه ایران نیز به‌جای حل این مسئله سبب ایجاد مشکلات مضاعف شده است. بنابراین لازم است که اقداماتی مانند گسترش تبادلات آموزشی و ورزشی و آغاز مذاکرات رسمی در سطوح پایین صورت گیرد. در این مذاکرات، آمریکا نباید تغییر کلیه سیاست‌های ایران را به‌عنوان پیش‌شرط مذاکره مطرح کند. در واقع با توجه به منافع دوجانبه حاصل از بهبود روابط ایران و آمریکا، دو طرف باید در شرایط کنونی به بررسی شرایط موجود بپردازند.



عنوان: تیم رده اول اوباما برای ایران^۱

نویسنده: دیوید ایگناتوس

منبع: Washington Post^۲

از آنجا که بحث مذاکره با ایران توسط دولت آمریکا عملاً تبدیل به یک فرض واقعی شده است بحث کنونی این است که ساختار این تعامل و مجریان این دیپلماسی جدید چه کسانی باشند. به نظر می‌رسد که بهترین گزینه‌ها در این رابطه برژینسکی و اسکوکرافت باشند. این دو مشاوران امنیت ملی کارتر و بوش پدر بوده‌اند و ترکیب عملیاتی آنها با هم یک دستور کار دو حزبی برای تعامل با ایران را شکل می‌دهد. برژینسکی و اسکوکرافت در کتاب جدیدی که در حال نگارش مشترک هستند به دنبال حل این مسئله هستند که چگونه می‌توان از دیپلماسی به‌عنوان ابزاری برای هماهنگی بیشتر آمریکا با جهان استفاده کرد. براین اساس اسکوکرافت معتقد است که آمریکا با مسئله ایران به‌صورت احساسی برخورد کرده است و برژینسکی نیز بر این باور است که سیاست ناکام و غلط دولت بوش باعث وخامت بیشتر اوضاع شده است. هر دو متفکر مذکور مسئله ایران را با نگاهی رئالیستی و امنیت محور نظاره می‌کنند و مهم‌ترین دغدغه ایران را بقا و امنیت حکومت و مردم می‌دانند و لذا توصیه می‌کنند که در مذاکره با ایران باید روی تدوین مکانیسم‌های جدید امنیتی تمرکز کرد. هر دو نسبت به آینده مذاکره با ایران امیدوارند. مهم‌ترین مزیت انتصاب این دو به‌عنوان سفیران تماس با ایران این است که جلوی بازی سیاسی ایران را با مسئله مذاکره

1. David Ignatius, "An Obama A-Team For Iran", Washington Post, Feb 5, 2009.

۲. از نشریات معتبر آمریکایی که به تحلیل مسائل سیاسی می‌پردازد.



گرفته و اهمیت مسئله ایران برای آمریکا را نزد ایرانیان نمایان می‌کند. افرادی مثل دنیس راس هم بهتر است مدیر اجرایی و هماهنگ‌کننده مذاکره این دو با ایران باشد.



عنوان: بازی مذاکرات دوره‌ای^۱

نویسنده: جان بولتن

منبع: American Enterprise Institute^۲

برنامه هسته‌ای ایران مسلماً یکی از امور مهم سیاست خارجی باراک اوباما خواهد بود. وی در طول مبارزات انتخابات خود سخن از راهبرد بهتری نسبت به این برنامه و مذاکره با ایران به میان آورد. این مسئله پس از جنگ غزه و انتخابات اسرائیل پیچیده‌تر از قبل شده است. حمایت طولانی ایران از حماس و تسلیح آن و نیز تمایلات ایران مبنی بر تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای از دلایل این پیچیدگی است. با وجود این، نکته قابل تأمل آن است که چرا ایران در طول سه هفته جنگ در غزه صرفاً به حمایت لفظی و فراخواندن مسلمانان جهت حمایت از غزه اکتفا کرد و پس از پایان جنگ وزیر خارجه ایران سخن از پیروزی مقاومت به میان آورد در حالی که اسرائیل خسارات غیرقابل تردیدی به حماس و رهبران آن، تجهیزات نظامی و زیرساخت‌های این حرکت وارد آورده بود. به نظر می‌رسد در محاسبه عجیب ایران حرف بقای حماس یک پیروزی محسوب می‌شود. از سوی دیگر ناتوانی اسرائیل در دفاع از خود نسبت به حملات موشکی حماس یک شکست برای این دولت محسوب می‌شود. در مجموع با کنار رفتن دولت بوش امکان حمله به ایران کاهش یافته است و پاسخ شدیدتر ایران در مسئله غزه می‌توانست باعث به خطر افتادن منافع این کشور شود. هرچند در حال حاضر حماس تضعیف شده است، ولی ایران امیدوار است وعده اوباما مبنی بر مذاکره

1. John Bolton, "A Circular Negotiations Game?" American Enterprise Institute, January 2009.

۲. از مراکز تحقیقاتی عمده وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکایی است.



با ایران تحقق یابد. اگرچه در ابتدا احتمالاً مذاکرات در سطوح پایین انجام می‌شود ولی هیلاری کلینتون امیدوار است اولین کسی باشد که با وزیر خارجه ایران مذاکره کرده و این موفقیت را برای خود ثبت کند. ایران مذاکره با آمریکا را در جهت تقویت مشروعیت بین‌الملل خود می‌داند و بیش از آمریکا از این قضیه سود خواهد برد. مذاکره آمریکا با ایران تنها وجهه تغییر در سیاست خارجی اوباما خواهد بود ولی طولانی شدن آن عملاً به ایران زمان لازم جهت پیشبرد برنامه هسته‌ای خود را می‌دهد. به هر حال جنگ غزه به سود ایران به اتمام رسیده و اوضاع را برای آمریکا پیچیده‌تر ساخته است.



عنوان: ارزیابی دنیس بلر رئیس جامعه اطلاعاتی آمریکا از تهدید ایران

نویسنده: دنیس بلر (سخنرانی در کمیته اطلاعات سنا)^۱

منبع: Committee on Intelligence

اهداف دیرینه سیاست خارجی ایران عبارتند از: حفظ رژیم اسلامی، حفظ حاکمیت ایران، دفاع از بلندپروازی‌های هسته‌ای و بسط نفوذ در منطقه و جهان اسلام، تحولات منطقه‌ای پس از سقوط طالبان و صدام، تقویت گروه‌های متحد ایران مانند حزب‌الله و حماس و افزایش قیمت نفت به دستیابی به این اهداف کمک کرده‌اند.

• در صحنه داخلی محافظه‌کاران بر ساختار قدرت تسلط دارند و ورود سپاه به عرصه سیاست موجب تقویت رویکرد رهبری و محافظه‌کاران در سیاست داخلی و خارجی گشته است.

• اگرچه رژیم همچنان متشکل از احزاب و گروه‌های رقیب است اما تنها آنهایی که حامی ایده رهبری قدرتمند و لزوم پیشبرد ارزش‌های انقلابی هستند در تصمیم‌سازی دخیل هستند.

• ما نمی‌دانیم که آیا (آیتا...) خامنه‌ای به‌صورت فعال از انتخاب مجدد احمدی‌نژاد حمایت می‌کند یا نه. وی به‌صورت علنی از دولت احمدی‌نژاد حمایت می‌کند اما براساس ارزیابی ما، اظهارات وی بیشتر معطوف به کم کردن انتقادات از حکومت است تا تقویت رئیس‌جمهور.

• اگرچه ما انتظار داریم که هرکس رئیس‌جمهور بعدی ایران شود حامی قوی جمهوری اسلامی خواهد بود اما بر این باوریم که انتخاب چهره‌های عملگراتر ممکن است در گذر زمان

1. Statement of Dennis Blair Before the Senate Select Committee on Intelligence, Jan 2009.



با ارائه طیف گسترده‌تری از گزینه‌ها به روند تصمیم‌سازی (برعکس احمدی‌نژاد) باعث نوعی تعدیل در رفتار ایران شود.

• به‌لحاظ نظامی ایران به تقویت سه رکن بازدارندگی استراتژیک خود ادامه می‌دهد: موشک‌های سطح به سطح و موشک‌ها و راکت‌های دارای برد زیاد به‌منظور مقابله به‌مثل؛ نیروهای دریایی برای ایجاد اختلال در عبور و مرور دریایی و نیروهای غیرمتمعارف برای انجام عملیات‌های مرگبار در سراسر جهان. با این حال برخی از توانمندی‌های اعلانی ایران صرفاً بلوف هستند. اما برخی مقامات از جمله فرمانده سپاه اشاراتی مبنی بر توانایی ضربه به منافع آمریکا در سراسر جهان را داشته‌اند که حاکی از وجود برنامه‌های اضطراری برای جنگ غیرمتمعارف و تروریسم بر ضد آمریکا و متحدانش است.

• در عراق، ایران به‌دنبال جلوگیری از ظهور تهدید از سرزمین عراق است که شامل تهدید خود حکومت عراق یا آمریکا در عراق می‌شود. لذا ایران به‌دنبال تقویت حضور شیعیان در حکومت عراق و جلوگیری از حضور نظامی دائمی آمریکا در عراق است.

• تلاش‌های ایران برای تثبیت نفوذ خود در عراق شامل طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها می‌شود از جمله تبلیغات گسترده، کمک‌های بشردوستانه، برقراری روابط تجاری و اقتصادی و حمایت از عناصری که با نیروهای ائتلاف می‌جنگند. ایران به برخی از عناصر شیعه کمک‌های جدی از جمله تسلیحات مرگبار، تأمین مالی، آموزش، حمایت تدارکاتی و عملیاتی و آموزش اطلاعاتی ارائه کرده است.

• براساس ارزیابی ما، ایران به خاطر تهدیدی که از سوی نیروهای آمریکا در عراق ادراک می‌کند، وضعیت روابط ایران و آمریکا، هراس ایران از ظهور مجدد بعثی‌ها و ... کمک‌های مرگبار خود به شبه‌نظامیان شیعه عراق ادامه می‌دهد.

• علی‌رغم تلاش‌های ایران، ناسیونالیسم عراقی و توانمندی‌های فزاینده حکومت عراق نفوذ ایران را در عراق محدود می‌کنند. مثلاً بغداد علی‌رغم مخالفت ایران،



موافقتنامه امنیتی آمریکا - عراق را امضا کرد.

- در افغانستان، ایران بر ایجاد حکومت مرکزی دولت در کابل و تحدید قدرت و نفوذ غرب متمرکز شده است. سیاست ایران در افغانستان مسیرهای متعددی را به صورت همزمان پیگیری می‌کند از جمله تأمین حمایت سیاسی و اقتصادی برای دولت کرزی و توسعه روابط با بازیگران در سراسر طیف سیاسی افغانستان.
- ایران با گفت‌وگو با طالبان جهت مصالحه مخالفت کرده چراکه آن را موجب افزایش نفوذ و مشروعیت این گروه می‌داند.
- براساس ارزیابی ما ایران به طالبان اعتماد ندارد و مخالف بازگشت آنها به قدرت است، اما فراهم آوردن کمک‌های مرگبار برای آنها را راهی برای فشار به نیروهای غربی، جمع‌آوری اطلاعات و ایجاد روابطی که پتانسیل حفاظت از منافع ایران را در صورت بازگشت طالبان به قدرت حفظ کند، تلقی می‌نماید.
- در شرق مدیترانه، ایران متمرکز بر ایجاد نفوذ در لبنان و توسعه توانمندی متحدان کلیدی است.
- حزب‌الله بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های مالی، آموزش و تسلیحات از ایران است و رهبر ایران متذکر شده که حزب‌الله مدلی برای گروه‌های شبه‌نظامی دیگر است. براساس ارزیابی ما ایران از زمان جنگ ۲۰۰۶ حزب‌الله با اسرائیل، به میزان بسیار چشمگیری به حزب‌الله در تأمین مالی، آموزش و تسلیحات کمک کرده است و باعث افزایش توانمندی این گروه در اعمال فشار بر دیگر احزاب لبنانی و تهدید اسرائیل شده است.
- تأمین پول، تسلیحات و آموزش توسط ایران برای حماس از پس از انتخابات



۲۰۰۶ فلسطین موجب افزایش توانایی این گروه در حمله به اسرائیل و مخالفت با تشکیلات خودگردان فلسطین شده است.

برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران

برنامه هسته‌ای ایران، «خطر واقعی» ترغیب دیگر کشورهای خاورمیانه به سمت توسعه تسلیحات هسته‌ای را به وجود می‌آورد و امکان ارزیابی مجدد گزینه‌های هسته‌ای کشورهای دیگر مناطق را نیز به همراه دارد. داشتن توانمندی سلاح‌های هسته‌ای نیازمند سه بخش کلیدی است:

۱. تولید مواد شکاف‌پذیر،
۲. ابزارهای کارآمد برای حمل سلاح،
۳. طراحی، نظامی کردن و آزمایش کلاهک.

ما در برآورد اطلاعاتی^۱ خود در سال ۲۰۰۷ این‌گونه ارزیابی کردیم که طراحی سلاح هسته‌ای ایران و تلاش برای نظامی کردن این برنامه، همچنین برنامه‌های مخفی تبدیل اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط به غنی‌سازی در پاییز سال ۲۰۰۳ متوقف شده است. غنی‌سازی اعلام شده اورانیوم در سال ۲۰۰۳ معلق اما در ژانویه ۲۰۰۶ از سر گرفته شد و ایران را قادر می‌کند مواد شکاف‌پذیر قابل استفاده در سلاح را، در صورت تمایل تولید کند. توسعه موشک‌های بالستیک میان‌برد که به صورت ذاتی از توانمندی حمل سلاح‌های هسته‌ای برخوردارند نیز همچنان ادامه دارد.

براساس ارزیابی ما، واحدهای نظامی ایران تا پاییز سال ۲۰۰۳ تحت امر حکومت



ایران مشغول توسعه سلاح‌های هسته‌ای بوده‌اند و هم‌اکنون نیز واحدهای مختلف ایران همچنان به توسعه طیفی از توانمندی‌های فنی که می‌تواند برای تولید سلاح هسته‌ای به‌کار برده شود، اگر تصمیمی در این رابطه گرفته شود، ادامه می‌دهند.

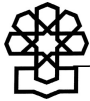
• ایران همچنان به تلاش‌های خود برای توسعه فناوری غنی‌سازی اورانیوم ادامه می‌دهد که می‌تواند هم برای تولید اورانیوم با غنای اندک جهت استفاده به‌عنوان سوخت راکتور برق و هم برای تولید اورانیوم با غنای بالا جهت استفاده در سلاح اتمی استفاده شود.

• همان‌طور که گفته شد ایران همچنان به استقرار و پیشبرد موشک‌های بالستیک که ذاتاً از توانمندی حمل سلاح‌های هسته‌ای برخوردارند ادامه می‌دهد.

• براساس ارزیابی ما، ایران از پاییز ۲۰۰۳ پروژه‌های تحقیق و توسعه‌ای را انجام داده که دارای کاربردهای تجاری و نظامی متعارف بوده‌اند و برخی از آنها استفاده محدودی در سلاح‌های هسته‌ای دارند.

براساس ارزیابی ما توقف فعالیت‌های طراحی و نظامی‌سازی تسلیحات هسته‌ای در پاییز سال ۲۰۰۳ اتفاق افتاده و این توقف حداقل برای چند سال ادامه داشته است. براساس ارزیابی ما، تهران این فعالیت‌ها را حداقل تا اواسط سال ۲۰۰۷ از سر نگرفته است. اگرچه ما نمی‌دانیم که آیا ایران هم‌اکنون قصد تولید و توسعه سلاح‌های هسته‌ای را دارد یا نه اما براساس ارزیابی ما تهران حداقل گزینه‌های تولید این سلاح‌ها را همچنان مفتوح نگه داشته است.

براساس قضاوت ما توقف مذکور در وهله اول در پاسخ به کنجکاوی و فشار فزاینده بین‌المللی بود که ناشی از علنی شدن برنامه‌های هسته‌ای مخفی ایران بود. این



امر حکایت از این دارد که ممکن است ایران بیش از آنچه در برآورد اطلاعاتی سال ۲۰۰۵ ارزیابی کرده بودیم متأثر از اعمال فشار است.

ما اطلاعات کافی نداریم تا بتوانیم با اطمینان قضاوت کنیم که آیا تهران مایل است در زمان ارزیابی گزینه‌های مختلف خود، فعالیت‌های متعدد مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای را همچنان متوقف نگه دارد یا آنکه ضرب‌الاجل یا معیارهای مشخصی را تعیین کرده یا خواهد کرد که منجر به آغاز دوباره آن فعالیت‌ها شود. براساس ارزیابی ما ایران از ظرفیت علمی، فنی و صنعتی برخوردار است که نهایتاً بتواند سلاح هسته‌ای را تولید کند. براساس قضاوت ما این فقط تصمیم سیاسی ایران مبنی بر پاک کردن هدف دستیابی به سلاح هسته‌ای است که می‌تواند ایران را از دستیابی نهایی به این تسلیحات دور نگه دارد و چنین تصمیمی نیز به‌صورت ذاتی بازگشت‌پذیر است. من دوباره تکرار می‌کنم که دو بخش از سه بخش مرتبط با توانمندی تسلیحاتی هسته‌ای همچنان ادامه دارد: توسعه فناوری غنی‌سازی اورانیوم که منجر به تولید مواد شکافت‌پذیر می‌شود و توسعه سیستم موشک‌های بالستیک که از توانمندی حمل سلاح هسته‌ای برخوردارند.

براساس ارزیابی ما با توجه به اینکه بسیاری در داخل نظام ایران قائل به وجود رابطه میان سلاح‌های هسته‌ای و اهداف کلیدی سیاست خارجی و امنیتی ایران هستند و همچنین اینکه ایران از اواخر دهه ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۰۳ تلاش‌های قابل توجهی برای تولید چنین تسلیحاتی انجام داده است، اقتناع رهبران ایران جهت صرف‌نظر از تولید نهایی سلاح‌های هسته‌ای مشکل است. تحلیل ما حکایت از آن دارد که نوعی ترکیب از تهدید تشدید فشار و تحقیق بین‌المللی در کنار فرصت‌هایی برای ایران جهت دستیابی



به امنیت و اهداف خود - اگر رهبران ایران آن را قابل اعتماد بدانند - موجب می‌شود که تهران توقف فعالیت‌های مذکور را ادامه دهد. با این حال تعیین چنین ترکیبی سخت است.

ارزیابی ما همچنان این است که در حال حاضر ایران سلاح هسته‌ای ندارد. ما همچنان بر این باوریم که احتمالاً ایران حداقل برخی از مواد شکافت‌پذیر مورد استفاده در سلاح اتمی را وارد کرده است اما هنوز به این قضاوت پایبندیم که تهران نتوانسته به اندازه‌ای از این مواد دست پیدا کند که برای یک سلاح اتمی کافی باشد. ما نمی‌توانیم این مسئله را منتفی کنیم که ایران سلاح هسته‌ای یا مواد شکافت‌پذیر برای یک سلاح را از خارج تهیه کرده باشد یا در آینده تهیه کند. با ایجاد مانع جهت دسترسی ایران به این اقلام از خارج، اگر ایران بخواهد سلاح اتمی داشته باشد نیاز دارد که مقادیر کافی از مواد شکافت‌پذیر را به صورت بومی تولید کند. براساس قضاوت ما ایران تاکنون این کار را نکرده است.

ایران در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ پیشرفت چشمگیری در نصب و به‌کار اندازی سانتریفیوژها در کارخانه غنی‌سازی نطنز داشت. ما بر این باوریم که احتمالاً ایران در زمانی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ به توانمندی فنی تولید مقدار کافی از اورانیوم با غنای بالا را برای استفاده از سلاح اتمی دست می‌یابد. برخی با اشاره به مشکلات فنی و برنامه‌ای قابل پیش‌بینی دستیابی به این توانمندی را تا قبل از سال ۲۰۱۳ غیرمحتمل می‌دانند.

در کنار برنامه سلاح‌های کشتار جمعی ایران، قدرت نظامی متعارف ایران که در وهله اول تهدید موشک‌های بالستیک و قدرت دریایی آن است چالشی برای منافع

آمریکا و متحدینش می‌باشد.

• وجود فزاینده موشک‌های بالستیک ایران، که در حال حاضر بزرگ‌ترین انبار در خاورمیانه است، و دستیابی ایران به موشک‌های کروز ضدکشتی توانمندی‌هایی هستند که موجب تقویت اعمال قدرت ایران می‌شوند. تهران موشک‌های متعارف را بخشی اساسی از استراتژی بازدارنده و در صورت لزوم انتقام‌جویانه خود در منطقه می‌داند.

موشک‌های بالستیک ایران پتانسیل حمل سلاح‌های کشتار جمعی را دارند و اگر این‌گونه مسلح شوند در قالب همین استراتژی قرار خواهند گرفت.





عنوان: ارزیابی آخرین گزارش آژانس درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران^۱

نویسنده: دیوید آلبرایت

منبع: Institute for Science and International Security^۲

مهم‌ترین یافته‌های گزارش اخیر آژانس انرژی اتمی (مورخ ۹ فوریه ۲۰۰۹) سه چیز است:

۱. ایران به میزان قابل توجهی نصب سانتریفیوژهای خود را افزایش داده است و اکنون حدود ۵۴۰۰ سانتریفیوژ نصب شده دارد اما تعداد سانتریفیوژهایی که به کار غنی‌سازی مشغولند را افزایش نداده است. تعداد این سانتریفیوژها حدود ۴۰۰۰ عدد است.

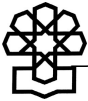
۲. ایران در کل ۱۰۱۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای پایین را در قالب هگزافلوراید اورانیوم انباشته است. این میزان ۳۰ درصد بیشتر از آن چیزی است که قبلاً گزارش می‌شد.

۳. تداوم تلاش ایران برای ساخت میله‌های سوخت اورانیوم برای راکتور آب سنگین اراک و عدم اجازه به بازرسی آژانس جهت بازرسی از این راکتور در حال ساخت.

براین اساس اگرچه مورد اول گام مثبتی تلقی می‌شود اما مورد دوم بیانگر آن است که ایران اکنون مقادیر کافی اورانیوم با غنای پایین برای ساخت یک بمب اتم را

1. David Albright, "Analysis of the February 19 IAEA Report on Iran", Institute for Science and International Security", Feb 19, 2009.

۲. از مؤسسات مهم که به تحلیل مسائل بین‌المللی می‌پردازد.



در اختیار دارد و به اصطلاح به «توانمندی فرار هسته‌ای» دست پیدا کرده است (البته اگر تصمیم سیاسی در این رابطه اتخاذ شود). با این حال براساس گزارش آژانس هیچ علامتی که دلالت بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران کند پیدا نشده است. همچنین گزارش مذکور بیانگر عدم پیشرفت در حل مسائل مرتبط با «مطالعات ادعایی» است.



عنوان: آمریکا، ایران را به دنبال سلاح اتمی می‌داند^۱

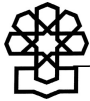
نویسنده: گرگ میلر

منبع: Los Angeles Times

کمتر از یک سال از گزارش نهادهای امنیتی آمریکایی مبنی بر توقف برنامه تسلیحاتی اتمی ایران در سال ۲۰۰۳ نمی‌گذرد که دولت اوباما در حال حاضر معتقد است ایران برنامه تسلیحاتی خود را ادامه می‌دهد. اوباما در کنفرانس خبری خود تا حد تشریح پیشرفت ایران در مورد سلاح اتمی نیز پیش رفته بود که جمله‌اش را تصحیح کرد و آن را رفتن به دنبال توانایی تسلیحاتی می‌داند. نامزد اوباما برای ریاست سازمان سیا نیز در گزارش خود به سنا عنوان نمود که جای تردید نیست که ایران به دنبال توانایی سلاح اتمی است. به نظر می‌رسد مقامات ارشد آمریکایی ارزیابی اطلاعاتی ملی را نادیده می‌گیرند. اوباما همزمان با تلاش جهت مذاکره با ایران دیگر تردیدی در مورد قصد ایران از برنامه هسته‌ای خود ندارد. مقامات ایران برنامه هسته‌ای را برای تولید برق می‌دانند این در حالی است که دستگاه‌های اطلاعاتی غرب معتقدند این ادعا چندان منطقی نیست. هر چند پس از انتشار گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا در مورد برنامه هسته‌ای ایران، اطلاعات جدید دیگری در مورد قصد ایران منتشر نشده است ولی آمریکا معتقد است برنامه هسته‌ای ایران غیر صلح‌آمیز است. ایران به دنبال غنی‌سازی اورانیوم و نیز طراحی موشک دوربرد است که به مراتب مهم‌تر از تولید بمب می‌باشد. تاکنون ایران حدود ۱۴۰۰ پاند اورانیوم را به غلظت پایین غنی نموده

1. Greg Miller, "U.S. now Sees Iran as Pursuing nuclear bomb", Los Angeles Times, February 2009.

۲. از روزنامه‌های پر تیراژ ایالات متحده است.



است که هر چند جهت فعالیت راکتور اتمی کافی نیست ولی جهت تولید بمب کافی است. با وجود این ایران با مشکلات متعددی نیز روبه‌رو است: ایران در این ماه یک ماهواره ۶۰ پانده را در مدار قرار داد. متخصصان می‌گویند جهت تولید و استفاده از بمب اتم ایران باید توانایی پرتاب ۲۰۰۰ پاند را به فضا داشته باشد تا بتواند نسل اول سلاح اتمی را مورد استفاده قرار دهد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد پس از ۳۰ سال مقامات ایران و آمریکا به دنبال مذاکره هستند. ایران مذاکره را براساس احترام متقابل مطرح کرده است. اوباما نیز به دنبال استفاده از فرصت‌ها در ماه‌های آینده است.



عنوان: مذاکره هسته‌ای با ایران همین الان اما مدت‌دار^۱

نویسنده: جورج پرکویچ

منبع: Carnegie^۲

اگر قرار است که دیپلماسی در جلوگیری از دستیابی ایران به توانمندی تسلیحات هسته‌ای نقش بازی کند دولت جدید آمریکا باید این نکات را رعایت کند:

۱. به لحاظ زمان بندی، مذاکرات باید بدون تأخیر آغاز شود و نباید منتظر نتایج انتخابات آینده ریاست جمهوری ماند، چراکه حداقل در انتخابات گذشته معلوم شد که نه ما برداشت درستی از ذهنیت رأی‌دهندگان ایرانی داریم و نه سیاست‌های ما بر نوع رفتار رأی‌دهندگان اثرگذار است. همچنین موفقیت مذاکرات در صورت پیروزی مجدد احمدی‌نژاد جای تأمل دارد.

۲. ساختار تعامل و محتوای مذاکرات مسئله بعدی است. آمریکا باید مذاکرات با ایران را به صورت چندجانبه و در قالب ۱+۵ پیگیری کند و به‌طور ویژه روی بحث هسته‌ای مذاکره کند و لزومی ندارد خود را درگیری مسائل حاشیه‌ای کند.

۳. عامل زمان را باید مهار کرد. این کار با تعیین یک جدول زمانی و ضرب‌الاجل برای رسیدن به نتیجه امکان‌پذیر است. در غیر این صورت مذاکرات بدون زمان بندی دام ایران برای آمریکا محسوب می‌شود.

۴. اگر قرار است موضوعات مختلف در مذاکرات مطرح شوند و به اصطلاح

1. George Perkovich, "Talk Nuclear With Iran Now, With a Time Limit", Carnegie Endowment, Feb. 3, 2009.

۲. از مؤسسات مهم و مؤثر در تحلیل مسائل سیاست بین‌الملل.



مذاکرات جامع داشته باشیم باید بحث هسته‌ای اولین موضوع مذاکره باشد چراکه در غیر این صورت ایران با طول دادن مذاکرات، زمان می‌خرد و به سمت بمب حرکت می‌کند.

۵. استراتژی آمریکا حتماً باید دو مسیره باشد و در عین وجود پاداش، تحریم‌ها و مجازات‌های سنگین‌تری را به‌عنوان چماق همراه خود داشته باشد. اما آمریکا باید پاداش‌های خود را برای ایران جذاب‌تر کند.

۶. آمریکا نباید از بحث تعلیق غنی‌سازی کوتاه بیاید چراکه این همان حلقه مفقوده‌ای است که ایران را به بمب اتم می‌رساند.



عنوان: دغدغه‌های امنیتی ایران افزایش یافته است^۱

نویسنده: کاوه افراسیابی

منبع: Asia Times^۲

باراک اوباما برخلاف جرج بوش به دنبال تعقیب سیاستی عقلانی و عملی در قبال ایران است. اوباما نگرانی‌های امنیتی ایران را در چارچوب گفت‌وگوها و مذاکرات جامع دو کشور پیرامون مسائل منطقه‌ای و برنامه هسته‌ای می‌داند. به نظر می‌رسد مذاکرات سابق ایران و آمریکا در مسیر درستی قرار نداشته است چراکه تاکتیکی بوده و جنبه‌های استراتژیک روابط را در نظر نمی‌گرفت. بنابراین جهت بهبود روابط باید مدلی را که ریچارد نیکسون در مورد چین به کار برد، پیاده کرد که در آن روش، از ترکیبی از دیپلماسی پنهان و آشکار برای نزدیک‌سازی مواضع دو کشور استفاده شد. در مورد این معامله بزرگ باید بررسی کرد که آیا غرب در نظر دارد برنامه هسته‌ای ایران را جزئی از معامله و فرایند مذاکره قرار دهد یا خیر؟ پاسخ به این سؤال آسان نیست، به نظر می‌رسد در صورت ارائه تضمین امنیتی آمریکا به ایران بتوان دغدغه‌های مربوط به این مسئله را کاهش داد اما ارائه این تضمین امنیتی به دلیل پیچیدگی فضای امنیتی اطراف ایران دشوار است چراکه ایران در مورد رادیکالیسم سنی در اطراف مرزهای خود، مسابقه تسلیحاتی کشورهای منطقه خلیج فارس، تهدیدهای امنیتی شبه قاره و ... نگرانی‌های عمده‌ای دارد. از سوی دیگر نگرانی جدی امنیتی ایران، حضور آمریکا در منطقه است، لذا ارائه تضمین امنیتی

1. Kaveh Afrasiabi, "Iran's Security Concerns Weigh Heavy" Asia Times, Feb 2009.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل آسیاست.



مستلزم تغییر نگرش آمریکا نسبت به ایران است. برخی از مهم‌ترین دغدغه‌های امنیتی ایران به مسئله پاکستان و افغانستان به قدرت گرفتن طالبان مربوط است. از سوی دیگر ارتباط طالبان با تندروهای عربستانی و نیز احتمال در اختیار گرفتن سلاح‌های اتمی پاکستان توسط تندروها، نحوه تحلیل مسائل را در تهران تغییر خواهد داد به گونه‌ای که تصمیم ایران در جهت افزایش امنیت خود در این حالت می‌تواند تمام منطقه را متأثر سازد. گزینه‌های ایران جهت حفظ امنیت ملی خود عبارت‌اند از:

۱. نزدیک شدن به پیمان امنیتی شانگهای و استفاده از فرمول امنیت دسته‌جمعی در چارچوب این پیمان.
 ۲. حضور در پیمان همکاری کشورهای خلیج فارس که البته این احتمال دور از ذهن است.
 ۳. نزدیک شدن به پیمان ناتو و ایجاد شورای ایران - ناتو همانند شورای روسیه - ناتو در پیمان آتلانتیک شمالی.
- در مجموع باید گفت راه حل سریع جهت حل معضلات امنیتی ایران در منطقه وجود ندارد و به درک متقابل ایران و غرب از نگرانی‌های همدیگر مرتبط است.



عنوان: ایران و کره شمالی و ضرورت احیای دفاع موشکی^۱

نویسنده: جیمز جی. کرافانو

منبع: The Heritage Foundation^۲

این گزارش به بررسی چالش‌های سیاست‌های داخلی و خارجی اوباما پرداخته و تلاش می‌کند که با بزرگنمایی و تهدید دانستن فعالیت‌های ایران و کره شمالی این موضوع را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات دولت اوباما مطرح کند. بر این اساس، نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که اوباما تنها با مشکلات داخلی مواجه نیست بلکه مشکلات بسیاری در حوزه امنیت ملی در خارج از مرزهای آمریکا وجود دارند که به سرعت آشکار شده‌اند. بنابراین اگرچه دولت اوباما از ابتدای به‌دست گرفتن قدرت تلاش کرده است که در حل مشکلات موجود چهره دولتی فعال و پویا از خود نشان دهد و به سرعت به بررسی و ارائه راهکارهایی برای آنان اقدام کند، اما در عرصه عمل، سیاست‌های اوباما در حوزه عراق، افغانستان و پاکستان تا حدود زیادی به سیاست‌های بوش متمایل است. از نظر نویسنده این واقعیت تا حدودی قابل فهم است زیرا که اوباما نیز در تلاش است تا در یک‌صد روز اول ریاست جمهوری خود، به تمرکز در مسائل سیاسی داخلی بپردازد. با وجود این باید توجه داشت که رهبری منفعلانه جهانی آمریکا سبب تضعیف ابتکار عمل در عرصه سیاست خارجی و تقویت کشورها و گروه‌هایی خواهد شد که به بحران‌سازی واقعی خواهند پرداخت. در ادامه

1. James Hay Carafano, "Iran, N. Korea Send Wake-up for Missile Defense". Heritage Foundation, Feb 2009.

۲. از مؤسسات وابسته به نئومحافظه‌کاران آمریکاست.



گزارش نویسنده تأکید می‌کند که در حوزه سیاست خارجی آمریکا هیچ بحران بالقوه‌ای بیش از افزایش تهدید حملات موشکی وجود ندارد، چنانچه در این مورد ایران به‌تازگی اقدام به پرتاب اولین ماهواره بومی به فضا نیز کرده است. در واقع اگرچه ایران پس از پرتاب ماهواره خود اعلام کرده که دستاوردهای فضایی ایران با هدف نظامی صورت نمی‌گیرد، اما این واقعه می‌تواند تکرار تجربه فعالیت‌های شوروی باشد که در نهایت به توسعه برنامه موشک‌های بالستیک آن منجر شد. بنابراین با توسعه فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران، امکان اولین آزمایش سلاح هسته‌ای آن نیز از این طریق ممکن است به وجود آید، از سوی دیگر به اعتقاد نویسنده تداوم فعالیت‌های کره شمالی نیز تهدید دیگری است که در سیاست خارجی آمریکا باید لحاظ شود. بر این اساس از نظر نویسنده طرح دفاع موشکی به‌طور جدی باید مطرح شود و به‌نظر می‌رسد که دولت اوباما باید در قبال این تهدیدات و چالش‌های واقعی توجه بیشتری داشته باشد. در پایان گزارش نویسنده تأکید می‌کند که با توجه به جدی بودن این تهدیدات است که ضرورت پیگیری و احیای طرح دفاع موشکی کاملاً احساس می‌شود. زیرا که این مسئله به‌دلیل اهمیت آن در حفظ امنیت ملی در اولویت‌های سیاست خارجی قرار می‌گیرد و بنابراین لازم است که حساسیت ویژه‌ای در این‌باره داشت.



عنوان: ماهواره ایرانی در فضا^۱

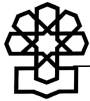
نویسنده: یفتاح شپیر

منبع: The Institute for National Security Studies^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی پرتاب اولین ماهواره ایرانی به فضا پرداخته و با بررسی ویژگی‌های ماهواره امید، اهمیت این رویداد را مورد ارزیابی قرار داده است. در ابتدای گزارش به بررسی ویژگی‌های ماهواره، حجم کوچک آن، اهداف ایران از پرتاب ماهواره و اطلاعات فنی دیگری در مورد ماهواره امید مانند موقعیت جغرافیایی و مدار آن پرداخته شده است. نویسنده در این زمینه معتقد است که صرف پرتاب ماهواره ایرانی به فضا نشان‌دهنده موفقیت بزرگ صنایع هوا و فضای ایران و مؤید توانایی این صنایع در دستیابی به قابلیت‌های تکنولوژیک به‌ویژه در حوزه موشکی است. به‌علاوه که توانایی پرتاب ماهواره، نشانگر موفقیت و توانایی بومی در ساخت، پرتاب و کنترل و مدیریت مراحل مختلف این اقدام است. ازسوی دیگر با توجه به سیاست‌های اعلامی ایران در تسخیر فضا، به‌نظر می‌رسد که ماهواره امید یک ماهواره آزمایشی و مقدمه‌ای برای ماهواره‌های بعدی آن و تحقق اعزام اولین فضانورد ایرانی در سال ۲۰۲۱ است. در ادامه گزارش نویسنده به اهمیت پرتاب ماهواره امید می‌پردازد. از نظر نویسنده این مسئله از اهمیت بسیاری برخوردار است زیرا که بلافاصله پس از پرتاب این ماهواره، دولت‌های غربی نسبت به پرتاب آن

1. Yiftah Shapir, "An Iranian Sstellite in Space", The Institute for Natinal Security Studies Insight No 92, February 9, 2008.

۲. یکی از مراکز پژوهشی که به دنبال تأمین منافع رژیم صهیونیستی در خاورمیانه است.



واکنش نشان داده و نگرانی عمیق خود را اظهار داشته‌اند. در این زمینه آمریکا آن را تهدیدی برای رژیم صهیونیستی دانسته و تأکید کرده که هرگز به ایران اجازه بر هم زدن امنیت منطقه را نخواهد داد. ازسوی دیگر واکنش سایر کشورهای غربی نیز همین‌گونه بوده است. به اعتقاد نویسنده این واکنش‌ها به سبب شباهت تکنولوژی پرتاب ماهواره با تکنولوژی ساخت موشک‌های بالستیک است که به‌واسطه بُرد زیاد آن می‌تواند تهدیدی برای کشورهای اروپای غربی باشد، در ادامه گزارش نویسنده تأکید می‌کند که اگرچه این ارزیابی‌ها از نظر تکنولوژیک صحیح است و به‌دلیل تهدیدات ایران علیه اسرائیل باید همه احتمالات را در نظر داشت اما باید به چند نکته توجه کرد: اول اینکه پرتاب‌کننده‌های ماهواره‌ای با انواع موشک‌های نظامی آن متفاوت است. دوم اینکه از نظر سازمانی نیز این پروژه متعلق به سازمان غیرنظامی (سازمان هوا و فضا) بوده است. ازسوی دیگر این اقدام ایران بیشتر اقدامی پرستیژی محسوب می‌شود و علی‌رغم فواید ماهواره در اهدافی مانند هواشناسی و حتی اهداف جاسوسی، پرتاب ماهواره بیشتر در راستای افزایش پرستیژ ایران و برتری آن در حوزه تکنولوژیک (در مقایسه با سایر کشورهای منطقه) و حتی توان رقابت آن با کشورهای توسعه‌یافته غربی و چالش برتری تکنولوژیک رژیم صهیونیستی است. با توجه به این عوامل از نظر نویسنده با تداوم توسعه فعالیت‌های موشکی ایران و به‌ویژه نسل جدید موشک‌های شهاب ۳، آزمایش موشک با سوخت جامد (موشک سجیل) در نوامبر سال گذشته - که با اهداف نظامی نیز صورت گرفت - خطر جدی‌تری برای اسرائیل به نسبت برنامه فضای ایران بوده است.



عنوان: پیروزی عراق، شکست ایران^۱

نویسنده: جان بولتن

منبع: American Enterprise Institute^۲

برگزاری انتخابات مسالمت‌آمیز به همراه مشارکت گسترده در عراق، پیروزی مهمی برای این کشور و نیز ایالات متحده می‌باشد. این انتخابات می‌تواند نقش ایران را در منطقه بازتعریف کند. منتقدان جنگ عراق می‌گویند سرنگونی صدام در سال ۲۰۰۳ سبب تقویت موضع ایران در منطقه شده است. حال این سؤال باقی است که آیا اگر صدام در حال حاضر در قدرت بود ایران تهدیدی برای منطقه محسوب نمی‌شد؟ قبل از حمله آمریکا به عراق، ایران از تروریست‌های منطقه حمایت می‌کرد و به دنبال تقویت هژمونی در لبنان و سوریه بوده و ازسوی دیگر برنامه هسته‌ای خود را تعقیب می‌کرد. پس از سرنگونی صدام، ایران به دنبال گسترش نفوذ خود در عراق بوده است، ولی انتخابات اخیر این روند را کند می‌کند.

صدام به نام حمایت از ملت‌های عرب با ایران مخالفت می‌کرد. در حال حاضر نیز افرادی هستند که بدون تجاوز به کشورهای دیگر یا بدون تلاش جهت به دست آوردن سلاح‌های کشتار جمعی، این هدف را در عراق دنبال می‌کنند. انتخابات استانی در عراق موضع ایران را تضعیف کرد، چراکه موضع شیعیان در این کشور به دلیل افزایش مشارکت سنی‌ها تضعیف شد. سنی‌های عراق به این نتیجه رسیدند که می‌تواند با مشارکت گسترده در انتخابات ترکیب پارلمان عراق را نیز در آینده تغییر

1. John Bolton, "Iraq's Victory, Iran's Loss" American Enterprise Institute, February 2009.

۲. از مراکز تحقیقاتی عمده وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکایی است.



دهند. ازسوی دیگر شیعیان عراق نیز به طور کامل به ایران وابستگی ندارد، چنین تصویری قدرت ایران را افزایش داده و ازسوی دیگر تضعیف شیعیان عراق محسوب می‌شود. با وجود این درگیری فرقه‌ای و مذهبی همچنان در عراق وجود دارد و ایران به دنبال افزایش نفوذ خود در منطقه است. چراکه آمریکا پاسخ مؤثری به این تمایلات ایران نداده است. ازسوی دیگر برگزاری انتخابات مسالمت‌آمیز عراق تحصیلکردگان و منتقدان را در داخل ایران، نسبت به فرایند دموکراتیک در عراق تحریک می‌کند. ازسوی دیگر این روند بیانگر تأیید صحت سیاست تقویت نیروها در عراق است.



عنوان: گزینه عراق: مدل ایران یا کشورهای خلیج فارس^۱

نویسنده: عبدالرحمن الراشد

منبع: World Politics Review^۲

زمانی این سؤال مطرح می‌شد که چگونه مردم کشورهای حاشیه خلیج فارس احساس آرامش می‌کنند، در حالی که عراق تحت حکومت صدام، علی‌رغم در اختیار داشتن منابع گسترده به مردم این کشور ظلم کرده و عراقی‌ها در رنج و محنت زندگی می‌کنند؟ در حال حاضر نیز که عراق به سوی ایجاد کشوری مدرن گام بردارد و به دنبال بازسازی در ابعاد مختلف بوده و به سوی تقویت نظامی نیز حرکت کرده است، این سؤال مطرح می‌شود. پنج میلیارد دلار جهت بازسازی نظامی عراق اختصاص یافته است. سؤال مهم آن است که چرا این رقم کلان برای ارتش عراق در نظر گرفته می‌شود، در حالی که عراق زیرساخت‌های لازم برق و آب و امور زیربنایی را در اختیار ندارد؟ در واقع اولویت اصلی در عراق چیست؟ آیا عراق به دوران صدام بازخواهد گشت که تصور از تهدیدات خارجی سبب فشار بر مردم شده بود؟ و یا عراق به منظور همکاری با ابرقدرت آمریکا و در راستای حفظ منافع این کشور به دنبال تقویت نظامی خود است؟

هیچ کس نسبت به اهمیت منطقه‌ای که عراق در آن واقع است و تهدیدات موجود در آن تردید ندارد. آمریکا احتمالاً در ۳۰ ماه آینده عراق را ترک کرده و این کشور را

1. Abdul Rahman Al- Rashed, "Iraq's Choice: An Iranian or Gulf Model", World Politics Review, Feb, 2009.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌المللی است.



با تهدیدهای منطقه‌ای تنها می‌گذارد. تهدیدات بالقوه از ۳ ناحیه خواهد بود. ایران، ترکیه و سوریه. چراکه این کشورها در ۳ دهه گذشته به لحاظ نظامی فعال بوده‌اند. ازسوی دیگر کشورهای اردن، کویت و عربستان نیز در سال‌های گذشته ازسوی عراق تهدید شده‌اند. هر چند ایران و عراق در حال حاضر روابط خوبی دارند، ولی احتمال رقابت آنها در آینده در منطقه بر سر تمایلات منطقه‌ای دو کشور وجود دارد. ترکیه نیز در مواقعی به بهانه سرکوب کردها وارد مناطق شمالی عراق می‌شود، همچنین ترکیه چشم به منابع انرژی عراق نیز دارد. سوریه نیز هر چند تهدید نظامی قدرتمندی نیست، ولی مرزهای بدون حفاظ آن می‌تواند باعث عبور و مرور خرابکاران و تروریست‌ها به خاک عراق شود، لذا این مقدار از بودجه تخصیص یافته به ارتش عراق چندان زیاد نیست. در نهایت، مردم عراق باید پاسخ‌گوی این سؤال باشند که آیا کشوری نظامی و قدرتمند می‌خواهند و یا کشوری ثروتمند و توسعه‌یافته؟ به عبارتی آیا مدل ایران مدنظر عراق است یا کشورهای خلیج فارس؟



عنوان: اخوان المسلمین مصر و ایران^۱

نویسنده: مهدی خلجی

منبع: The Washington Institute on Near East Policy^۲

این گزارش به بررسی تعاملات ایران و اخوان المسلمین مصر پرداخته و تلاش کرده است تا روابط ایران و گروه‌های اسلامی سنی منطقه و به‌ویژه اخوان المسلمین مصر را مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که تحولات اخیر و به‌ویژه سفر خالد مشعل به ایران و تقدیر از حمایت‌های ایران در جنگ غزه نشان می‌دهد که روابط ایران و گروه‌های سنی منطقه افزایش یافته است. در این میان اگرچه ایران از گذشته تلاش کرده تا روابط خود با سایر جریان‌های سنی منطقه را افزایش دهد اما تعاملات آن با اخوان المسلمین و سایر گروه‌های مبارز اسلامی مصری به‌واسطه انتقادات ایران از دولت مصر نیز تشدید شده است. این مسئله عملاً زمینه افزایش نفوذ ایران در جهان عرب را به‌وجود آورده و منافع آمریکا در منطقه را نیز با خطر جدی مواجه ساخته است. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی روابط ایران و گروه‌های رادیکال سنی پرداخته و روابط ایران و حماس و حتی وجود اخباری مبنی بر حضور و تردد برخی از اعضای القاعده در ایران را به معنای وجود روابط جدی میان ایران و گروه‌های سنی منطقه می‌داند. با وجود این به اعتقاد نویسنده در این میان اخوان المسلمین مصر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

1. Mehdi Khalaji, "Egypt's Muslim Brotherhood and Iran", The Washington Institute on Near East Policy, February 12, 2009.

۲. از گروه‌های فکری و مؤسسات پژوهشی آمریکا در مسائل بین‌المللی است.



بدین‌منظور در ادامه گزارش به بررسی تعاملات ایران در دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی با گروه اخوان المسلمین مصر پرداخته شده است. در این زمینه علی‌رغم عدم وجود روابط سازمانی گسترده میان دو طرف، اخوان المسلمین تأثیر جدی و عمیقی بر انقلابی‌گری اسلامی در ایران داشته است چنانچه فدائیان اسلام تحت تأثیر فعالیت‌های اخوان قرار گرفته و اندیشه‌های سید قطب و سایر رهبران اخوان نقش مهمی در رویکرد گروه‌های اسلام‌گرای ایران در مسئله فلسطین بر جای گذاشته‌اند و بعد از سفر نواب صفوی به مصر است که زمینه‌های مبارزه با صهیونیسم در ایران شکل می‌گیرد. از سوی دیگر پیروزی انقلاب اسلامی از سوی اخوان المسلمین مصر مورد حمایت قرار گرفت اما پس از ترور سادات، روابط دوجانبه به سبب فشارهای دولت مصر با احتیاط بیشتری پیگیری شد؛ هر چند که رهبران اخوان بر تفاوت رویکرد شیعی و سنی نیز تأکید می‌کردند. با پایان جنگ ایران و عراق، تعاملات دوجانبه اخوان و ایران سبب آزادی یکجانبه اسرای مصری جنگ تحمیلی توسط ایران شد و اخیراً نیز محمدمهدی عاکف به حمایت از مواضع ایران در منطقه پرداخت. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی رویکرد مردم مصر به ایران و شیعه پرداخته و پیشینه‌های تاریخی حکومت فاطمیان در مصر را در رویکرد مثبت مردم این کشور، به نسبت سایر کشورهای عربی در قبال شیعه مورد تأکید قرار داده است. به‌علاوه که مردم مصر به نمادهای شیعه نیز با احترام نگرسته و در مصر زیارتگاه‌هایی برای امام حسین (ع) وجود دارد و سالیانه مراسم عاشورا نیز برگزار می‌شود. از سوی دیگر تعاملات روحانیون شیعه (مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی) با مردم نیز نقش مهمی در نگرش مثبت مردم این کشور به شیعه و ایران ایفا کرده است. نویسنده در



ادامه گزارش به بررسی رویکرد دولت مصر علیه ایران و شیعه پرداخته و اظهارات مبارک در مورد حمایت شیعیان سایر کشورهای عربی از ایران و سایر اقدامات وی را به سبب نگرانی از گسترش نفوذ ایران و فعالیت گروه‌های اسلام‌گرای مصر مطرح کرده است. به علاوه که طرح مسئله گسترش شیعه در مصر توسط قرض‌آوی نیز در این راستا صورت گرفته است با وجود این هیچ آمار دقیقی از تعداد شیعیان مصر وجود ندارد هر چند که در یک آمار ارائه شده تعداد آنان کمتر از یک درصد جمعیت مصر (حدود ۶۵۷ هزار نفر) و براساس آمار دیگری ۱/۵ میلیون نفر برآورد شده است.

در پایان گزارش نویسنده تأکید کرده است که با گسترش روابط ایران و اخوان‌المسلمین مصر، نفوذ ایران در منطقه افزایش خواهد یافت و سیاست آمریکا در منطقه خاورمیانه با چالش‌های بسیاری مواجه خواهد شد.



عنوان: اسرائیل به کدام رویکرد کمک نمود؟^۱

نویسنده: مایکل نم

منبع: Middle East Roundtable^۲

به نظر می‌رسد عملیات اسرائیل در غزه چندان تفاوتی با حمله به جنوب لبنان نداشته است چراکه اسرائیل در این نبرد نیز دچار شکست استراتژیک شده است. ازسوی دیگر پایان این جنگ سبب شد روابط ایران و سوریه مستحکم‌تر شود. ازسوی دیگر باعث تضعیف مواضع آمریکا در منطقه در جهت ایجاد صلح پایدار شده و مواضع میانه‌روهای منطقه تضعیف گشت.

ازسوی دیگر تکذیب حملات صورت گرفته از شمال به اسرائیل توسط حزب‌الله اثبات نمود که ایران و حزب‌الله به دنبال آن هستند که افکار عمومی جهان و منطقه حملات اسرائیل را محکوم کند و خود تلاش برای ورود به منازعه نداشتند. به عبارت دیگر ایران به دنبال واکنش اعراب به اقدامات اسرائیل بود، لذا در برخی موارد حزب‌الله و سیدحسن نصرالله با صدور بیانیه و سخنرانی اعراب را به واکنش فرا می‌خواندند. ازسوی دیگر نصرالله کشورهای عربی را به دلیل همراهی با آمریکا و اسرائیل محکوم نمود. این روند در جنگ ۲۰۰۶ اسرائیل و لبنان نیز دیده شد که طی آن نقشه آمریکا توسط اسرائیل و با توطئه اعراب اعمال شد. اقدامات آمریکا در شورای امنیت نیز به خوبی مؤید این نظر بود. با وجود این در جنگ اخیر علی‌رغم تلاش آمریکا و اسرائیل، ایران و حزب‌الله برنده واقعی جنگ بودند و از جنگ اسرائیل منتفع شدند.

1. Michel Nehme, "Whom did Israel Serve?" Bitter lemons – international.org. Feb. 2009.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل خاورمیانه.



در این راستا نصرالله بر دو نقطه ضعف اسرائیل تأکید کرد: ۱. فقدان اعتماد به نفس به دلیل نداشتن برنامه مدرن جهت حمله، ۲. حساسیت افکار عمومی اسرائیل نسبت به قربانیان حملات.

اگر هم اسرائیل و هم حماس ادعای پیروزی می‌کنند باید دید بازنده واقعی کیست؟ مسلماً کشورهای عربی. چراکه آنان نتوانستند به صورت یکپارچه اقدام کنند. سوریه و مصر در این مورد هم بسیار جداگانه عمل کردند. سوریه تلاش کرد کشورهای عربی را به قطع روابط با اسرائیل فراخواند در حالی که مصر به دنبال مذاکره با اسرائیل بود. سؤال اینجاست که اسرائیل به کدام رویکرد بیشتر کمک کرده است؟



عنوان: کابوس هسته‌ای آمریکا^۱

نویسنده: هنری کسینجر

منبع: سخنرانی در کنفرانس امنیتی مونیخ ۲۰۰۹

بیش از ۲۰۰ سال پیش، امانوئل کانت (فیلسوف مشهور) انتخاب نهایی فراروی بشریت را تعریف کرد: اگر تاریخ می‌خواهد به صلح جهانی بینجامد، این اتفاق از طریق بینش اخلاقی خواهد بود، یا از طریق فاجعه‌ای با ابعادی که امکان هیچ پیامد دیگری را باقی نگذارد؟ ما در حال نزدیک شدن به نقطه‌ای هستیم که ممکن است آن انتخاب را بر ما تحمیل کند. معمای اساسی عصر هسته‌ای، از زمان واقعه هیروشیما با ما بوده است: چگونه می‌توان قدرت تخریب سلاح‌های مدرن را به‌نوعی رابطه اخلاقی یا سیاسی با هدف‌هایی که پیگیری می‌شوند، تبدیل کرد؟

هرگونه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای قطعاً میزانی از تلفات و تخریب را به‌بار خواهد آورد که هیچ‌گونه تناسبی با اهداف قابل پیش‌بینی در عرصه سیاست خارجی نخواهد داشت. تلاش برای طراحی کاربردهای دقیق‌تر از این سلاح، از دکتترین «جنگ هسته‌ای در دامنه جغرافیایی محدود» در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تا تئوری «تخریب حتمی دوطرفه» از جنگ هسته‌ای کلی در دهه ۱۹۷۰، هرگز موفق نبوده‌اند.

هنگامی که وزارت خارجه را در اختیار داشتیم، در برابر گزینه‌های مطرح شده توسط استراتژی‌های رایج هسته‌ای قرار گرفته بودیم. این استراتژی‌ها، مسئله حق اخلاقی برای تحمیل فاجعه‌ای با چنین دامنه‌ای بر یک جامعه و جهان را مطرح می‌کردند. به‌علاوه، این دورنماها توسط سلاح‌هایی شکل گرفته بودند که برای آنها

1. David Ignatius, "An Obama A-Team For Iran", Washington Post, Feb 5, 2009.



نمی‌توان هیچ‌گونه تجربه عملیاتی در نظر گرفت و در نتیجه محاسبات و محدودیت‌ها عمدتاً به صورت تئوریک تعیین می‌شدند. اما من همچنین خوشحال بودم که اگر دولت ایالات متحده چنین محدودیت‌هایی را اتخاذ می‌کرد، این کار می‌توانست امنیت دنیا را به ظالمانه‌ترین وضعیت و احتمالاً کشتار تبدیل کند.

در دنیای دوقطبی در زمان جنگ سرد، طرفین به‌گونه‌ای از مواجهه با این معما اجتناب کردند. زرادخانه‌های هسته‌ای دوطرف، از نظر کمیت و همچنین سطح فناوری، پیشرفت کرد. به استثنای بحران موشکی کوبا (هنگامی که در ابتدا به شاخه نظامی شوروی اجازه داده شد از سلاح‌های هسته‌ای‌اش برای دفاع از خود استفاده کند)، هیچ کدام از طرفین به سمت استفاده از این سلاح‌ها (خواه علیه یکدیگر یا علیه کشورهای ثالث غیرهسته‌ای) نرفت. آنها، مرحله به مرحله، تضمین‌هایی را برای پیشگیری از وقوع حادثه، قضاوت ناصحیح و استفاده غیرمجاز از این سلاح‌ها، به اجرا درآوردند.

اما پایان یافتن جنگ سرد، نتیجه‌ای متناقض ایجاد کرد. خطر جنگ هسته‌ای میان ابرقدرت‌ها اساساً از بین رفته بود. اما بسط فناوری (به‌خصوص فناوری تولید انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز) تا حد زیادی امکان دستیابی به قابلیت تولید سلاح‌های هسته‌ای را افزایش داده بود.

تشدید مرزهای ایدئولوژیک و دوام مناقشه‌های حل نشده منطقه‌ای، انگیزه‌ها برای دستیابی به سلاح هسته‌ای (خصوصاً توسط دولت‌های شرور یا بازیگرانی غیر از دولت‌ها) را افزایش داده بودند.

محاسبات ناامنی دوطرفه که آن محدودیت را در دوران جنگ سرد ایجاد کرده بود، دیگر در مورد تازه‌واردان به عرصه هسته‌ای تا آن حد صدق نمی‌کرد و در مورد



بازیگرانی که در قالب دولت‌ها نبودند شاید اصلاً کاربردی نداشت. اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، به یک مشکل استراتژیک جدی برای دنیای معاصر تبدیل شده است.

در صورت اشاعه بیشتر سلاح‌های هسته‌ای، احتمال مقابله‌های هسته‌ای نیز افزایش می‌یابد. این مسئله، خطر انحراف (عمدی یا سهوی) را افزایش می‌دهد و اگر طراحی سلاح‌های تخریب جمعی، علی‌رغم همه مذاکرات جاری، به ایران هم رسیده و در کره شمالی ادامه پیدا کند، انگیزه سایر کشورها برای طی کردن همین مسیر می‌تواند شدیداً افزایش پیدا کند.

وقتی مردم تلفات چند ده هزار نفری در یک حمله هسته‌ای را متحمل شوند یا حتی فقط شاهد چنین تلفاتی باشند، چه واکنشی نشان خواهند داد؟ آیا این دو سؤال را نخواهند پرسید: برای پیشگیری از این ماجرا، چه می‌توانستیم بکنیم؟ برای پیشگیری از بروز مجدد آن، چه کار باید بکنیم؟

ملاحظات از این قبیل موجب شد که سام نان (سناتور سابق)، ویلیام پری (وزیر سابق دفاع)، جورج شولتز (وزیر سابق امور خارجه) و من (دو دمکرات و دو جمهوری‌خواه) توصیه‌هایی را برای کاهش و در نهایت حذف سیستماتیک خطر سلاح‌های هسته‌ای، منتشر کنیم.

سابقه ما در تعهد به دفاع و امنیت ملی، بسیار قوی است. ما همچنان بر اهمیت نیروهای بازدارنده مناسب تأکید می‌کنیم و نمی‌خواهیم در حالی که فرایند انطباق با واقعیت جدید در حال جریان است، توصیه‌هایمان منجر به نابودی بنیان‌های دفاع از مردمان آزاد شود. اما در همین حال، مجدداً بر هدف «دنیای بدون سلاح‌های هسته‌ای» تأیید می‌کنیم که از زمان آیزنهاور به بعد، توسط تمامی رؤسای جمهور



آمریکا تکرار شده است.

چنین دنیایی دور از دسترس خواهد بود مگر آنکه بر مشکل برنامه سلاح‌های هسته‌ای ایران که در حال شکل‌گیری است و برنامه سلاح‌های هسته‌ای موجود در کره شمالی، غلبه شود. هر دوی این برنامه‌ها، تقریباً به‌طور قطعی موجب اشاعه بیشتر و به‌کارگیری بیشتر سلاح‌های هسته‌ای در استراتژی‌های کشورهای مجهز به سلاح هسته‌ای خواهد شد.

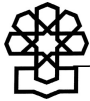
در مورد ایران، اعضای دائم شورای امنیت خواستار پایان یافتن غنی‌سازی موادی شده‌اند که توسط برنامه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تولید می‌شود. در مورد کره شمالی، کشورهای چین، روسیه، ژاپن، کره جنوبی و ایالات متحده خواستار نابودی سلاح‌های هسته‌ای این کشور شده‌اند. کره شمالی توافق کرده است تا برنامه سلاح‌های هسته‌ای‌اش را کنار بگذارد، اما با تعویق انداختن این کار، تهدید می‌کند که برای مجموعه سلاح‌هایی که تاکنون تولید کرده است مشروعیت ایجاد کند. من از مدت‌ها پیش مذاکره وسیع با ایران، شامل جنبه ژئوپولیتیکی، طرفداری می‌کرده‌ام، بسیاری افراد، این کار را یک نوع روانی می‌دانند. درواقع، می‌توان این مسئله را با دادن پاسخ‌های قاطع به چهار سؤال خاص بررسی کرد:

۱. ایران چقدر به قابلیت تولید سلاح‌های هسته‌ای نزدیک شده است؟

۲. برنامه توسعه این کشور با چه سرعتی به پیش می‌رود؟

۳. چه مجموعه‌ای از پاداش‌ها و تنبیه‌ها، ایران را به کنار گذاشتن برنامه‌اش وادار خواهد کرد؟

۴. اگر علی‌رغم همه تلاش‌هایمان، دیپلماسی به شکست بینجامد، چه خواهیم کرد؟



یک مسئله حیاتی در استراتژی عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای این خواهد بود که آیا جامعه بین‌الملل می‌تواند چرخه سوخت را برای مصارف صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، تحت کنترل بین‌المللی قرار دهد یا خیر. آیا «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» قادر به طراحی سیستمی هست که غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم و پلوتونیوم را تحت کنترل بین‌المللی و در مکان‌هایی که تهدید اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را نداشته باشند، قرار دهد؟

متوقف‌سازی و سپس معکوس کردن روند اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، مسئولیت ویژه‌ای بر دوش قدرت‌های هسته‌ای می‌گذارد. هیچ‌یک از منافع مشترک این کشورها، ضروری‌تر از پیشگیری از ظهور یک کشور جدید مسلح به سلاح‌های هسته‌ای نیست. تداوم مناقشه‌های حل نشده منطقه‌ای، سلاح‌های هسته‌ای را به طعمه‌ای قدرتمند در بسیاری از نقاط دنیا تبدیل می‌کنند. هدف از دستیابی به این سلاح‌ها نیز تهدید همسایگان و همچنین استفاده به‌عنوان نیروی بازدارنده در مقابل قدرت‌های بزرگ (که در غیر این صورت ممکن بود در مناقشه‌های منطقه‌ای دخالت کنند)، است. قدرت‌های هسته‌ای می‌باید تلاش کنند که با اختصاص دادن دیپلماسی خود به حل این مناقشه‌های حل نشده، از جذابیت قابلیت هسته‌ای بکاهند.

یک دستورالعمل هسته‌ای جدید، به تلاش‌های هماهنگ در سطوح مختلف نیاز دارد: ابتدا سیاست اعلامی ایالات متحده. دوم رابطه آمریکا - روسیه. سوم تلاش‌های مشترک با متحدان و همچنین سایر کشورهای غیرهسته‌ای که بر قدرت بازدارندگی آمریکا متکی هستند. چهارم تأمین امنیت سلاح‌ها و مواد هسته‌ای در سطح جهانی و درنهایت کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای در دکترین‌ها و برنامه‌ریزی عملیاتی



کشورهای مسلح به سلاح هسته‌ای.

دولت اوپاما اشاره کرده است که در مسیر آماده شدن برای «کنفرانس بازبینی ان.پی.تی» که برای بهار سال ۲۰۱۰ برنامه‌ریزی شده است، «دستورالعمل هسته‌ای جهانی» یک اولویت اصلی را تشکیل می‌دهد. تعدادی از ابزارها را می‌توان به صورت یک‌جانبه یا دوجانبه (با روسیه) به کار گرفت تا خطر پیشگیرانه برخی معیارهای اعلام خطر خاص و به‌کارگیری سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی را کاهش دهد.

به مدت بیش از ۳۰ سال پس از شکل‌گیری اتحاد غربی، «تهدید شوروی» همان نیروی انگیزشی و متحدکننده در سیاست هسته‌ای غرب بود. اکنون که اتحاد جماهیر شوروی تجزیه شده است، نباید سیاست هسته‌ای جدید را بر مبنای پیش‌گویی‌هایی قرار داد که فرض می‌کنیم باید محقق شود.

روسیه و ایالات متحده تقریباً ۹۰ درصد از سلاح‌های هسته‌ای جهان را کنترل می‌کنند. آنها می‌توانند تکیه بر سلاح‌های هسته‌ای در روابط دوجانبه‌شان را کاهش دهند. آنها ۱۵ سال است که در مواردی از قبیل «برنامه مشارکتی کاهش خطر» چنین کاری را انجام داده‌اند.

نیاز فوری ما آن است که مذاکرات برای تمدید توافق‌نامه «استارت یک» آغاز شوند: این سند که برای شناسایی و نظارت بر سقف تعیین شده سلاح‌های استراتژیک تدوین شده بود، در پایان سال ۲۰۰۹ منقضی می‌شود. در این زمان باید به دنبال کاهش جدی در میزان ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ کلاهک که در عهدنامه ۲۰۰۲ مسکو مجاز شمرده شده بود، باشیم.

یک مرور کلی بر روابط استراتژیک نیز می‌باید راه‌های ارتقای امنیت در



تأسیسات هسته‌ای روسیه و ایالات متحده را مورد بررسی قرار دهد.

یک مسئله کلیدی، «دفاع موشکی» (خصوصاً با توجه به دفاع‌های به‌کار گرفته شده علیه تهدیدهای کشورهای اشاعه‌دهنده سلاح‌های موشکی - هسته‌ای) است. گفت‌وگوها پیرامون این موضوع باید از همان نقطه‌ای که در سال ۲۰۰۸ میان بوش و پوتین متوقف ماند، از سر گرفته شوند.

پیشنهاد روسیه برای طراحی یک دفاع موشکی مشترک در برابر خاورمیانه (شامل سایت‌های رادار در جنوب روسیه) همواره به نظر من یک پاسخ خلاق سیاسی و استراتژیک برای یک مشکل مشترک بوده است.

تلاش برای طراحی یک دفاع موشکی مشترک در برابر خاورمیانه (شامل سایت‌های رادار در جنوب روسیه) همواره به نظر من یک پاسخ خلاق سیاسی و استراتژیک برای یک مشکل مشترک بوده است.

تلاش برای طراحی یک دستورالعمل جدید هسته‌ای می‌باید از ابتدای کار، متحدان ما را نیز شامل شود. سیاست ناتو و ایالات متحده، از یکدیگر تفکیک‌پذیر نیستند. متحدان کلیدی در اروپا در حال مذاکره با ایران پیرامون مسئله هسته‌ای هستند. آمریکا سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی را در تعدادی از کشورهای عضو ناتو پیاده کرده است و سیاست اعلامی ناتو نیز منعکس‌کننده سیاست آمریکاست.

انگلستان و فرانسه (متحدان کلیدی در ناتو) قدرت بازدارندگی هسته‌ای خودشان را دارند. ما به انطباق مشترک با واقعیت‌های نوظهور، خصوصاً با توجه به سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی، نیاز داریم. همچنین به مذاکره موازی با ژاپن، کره شمالی و استرالیا نیاز است. مشاوره‌های موازی با چین، هند و پاکستان نیز ضروری هستند.



باید درک کنیم که انگیزه برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در شبه‌قاره، در مقایسه با انگیزه‌های سایر قدرت‌های هسته‌ای، منطقه‌ای‌تر هستند؛ همچنین آستانه تحریم برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شبه‌قاره نیز بسیار پایین‌تر است.

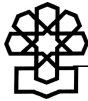
پیچیدگی این مسائل نشان می‌دهد که چرا من و همکارانم، رویکردی تدریجی و گام‌به‌گام را انتخاب کرده‌ایم. ما نمی‌توانیم ویژگی‌های هدف نهایی را توضیح دهیم: نحوه تعیین مقدار ذخیره‌های سلاح‌های هسته‌ای، نحوه انهدام آنها یا تأیید نتیجه.

ما با تأکید بر مطلوب بودن هدف «جهانی عاری از سلاح‌های هسته‌ای»، بر گام‌هایی تمرکز کرده‌ایم که قابل دستیابی بوده و نتیجه آنها نیز قابل بررسی و تأیید است.

«سام نان»، این تلاش را به بالا رفتن از کوهی تشبیه کرده که در ابرها احاطه شده است. ما نمی‌توانیم مشخصات قله را توضیح بدهیم و همچنین نمی‌توانیم مطمئن باشیم که موانعی پیش‌بینی نشده یا صعب‌العبور در مسیر نیستند. اما ما برای پیمودن این مسیر آماده‌ایم، زیرا باور داریم که هرگز قله را نخواهیم دید مگر اینکه بالا رفتن را آغاز کنیم و به مسائل هسته‌ای بپردازیم که هم‌اکنون فراروی ما قرار دارند، یعنی: برنامه‌های هسته‌ای ایران و کره شمالی.

ختم کلام: موضوعی که ابتدا تحت سلطه متخصصان نظامی بود، هم‌اکنون توجه طرفداران خلع سلاح را به خود جلب کرده است. گفت‌وگو میان اینها هرگز آنقدر که می‌باید، مثمرتر نبوده است.

استراتژیست‌ها همواره به تلاش‌های مذاکره‌ای برای محدود کردن دامنه و مقدار سلاح‌ها، مشکوکند. طرفداران خلع سلاح گاهی اوقات با وضع محدودیت‌هایی که نتیجه



مطلوب آنها را به صورت یک‌طرفه ایجاد می‌کند، نتیجه بحث را از آن خود می‌کنند (آنها باور دارند هرچیزی که زرادخانه‌های هسته‌ای را محدود سازد، حتی اگر به صورت یک‌جانبه باشد، فی‌نفسه مطلوب است).

این دو گروه را باید در کنار هم جمع کرد تا زمانی که سایر کشورها به ساختن و ارتقای زرادخانه‌های هسته‌ای خود دست می‌زنند، تهدید بازدارنده استفاده از این سلاح‌ها باید بخشی از استراتژی غرب باشد و کارآمدی زرادخانه‌های هسته‌ای ما باید حفظ شود. برنامه‌ای که طرح آن در اینجا ارائه شده است، برنامه‌ای برای خلع سلاح یک‌جانبه نیست. هم اوباما و هم سناتور مک‌کین، ضمن تأیید این رویکرد، روشن کرده‌اند که (به بیان اوباما) ایالات متحده نمی‌تواند این رویکرد را به تنهایی پیاده کند.

خطری که سلاح‌های هسته‌ای مطرح کرده‌اند، بی‌سابقه است. این سلاح‌ها نباید به‌عنوان صرفاً «یک ماده منفجره قوی‌تر از قبلی‌ها» در استراتژی‌های ما گنجانده شوند. بنابراین، دوباره به چالش اصلی خود رسیدیم. عصر ما، آتش را از خدایان دزدیده است؛ آیا می‌توانیم آن را به مصارف صلح‌آمیز محدود کنیم، پیش از آنکه ما را نابود کند؟



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۵۶۲

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۴)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آنها: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۷/۱۲/۱۲